



آقای سید غلامرضا سعیدی (۱)

درسی از روان شناسی

(شخصیت انسان از نظر روان شناسی جدید و از لحاظ دین)

از قدیمترین ایام تاریخ، متفکرین سعی داشته اند راز مهم شخصیت انسان را کشف کنند و برای شناختن این راز کوشش های فراوانی کرده اند .

این گفته از سقراط مانده است که : «خود را بشناس»

وعین همین عبارت تقریباً بیست و پنج قرن قبل در پیشانی معبد دلف در شهر آتن که منشاء فلسفه است نقش شده بود . از آن زمان پیعد دانشمندان از راههای گوناگون برای وصول باین منظور کوشیده اند و با اینکه مبادی و مکتب های مختلفی برای این دانش تاسیس کرده اند هنوز :

در خم يك كوچه اند .

زیرا با همه کوشش و مجاهدتی که در این راه بذل کرده اند تاکنون تعریف جامع و مانعی که مورد اتفاق همه صاحب نظران باشد برای علم مورد بحث نیافته اند و شاید از میان آنچه تعریف هایی که قائل شده اند تنها تعریف روشن و جامع الاطرافی که بیان نموده اند این باشد که :
روان شناسی عبارت از بکرشته معلومات محقق و مثبتی است که در اطراف مشی و سلوک و عبارت ساده در اطراف رفتار موجودات زنده و مخصوصاً انسان بحث می کند ولی تازه همین تعریف را روان شناسان مختلف بوجود گوناگون و صور مختلف تعبیر و تفسیر می کنند . مثلاً بیرو بورست ها یعنی طرفداران اصل «مشی و سلوک» رفتار انسان را بکرشته عملیاتی میدانند که مولود فعل و انفعال دستگاه جسی انسان است و از آن بوظائف الاعضاء تعبیر میکنند .

مطابق گفته این دسته از روان شناسان ، انسان مانند هر حیوانی ماشینی

(۱) در این مقاله از تحقیقات فاضلانه آقای دکتر م . ا . صد مندرخ در مجله اسلامیك ری ویو چاپ لندن مورخ ماه می ۱۹۵۰ استفاده شده است

درسی از ————— فروغ علم

است که دستگاه درونی وی مطابق مقررات و نظامات معین و مشخص و وظائف الاعضاء کار میکند و انعکاس شخصیت انسان جز نتایج حاصله از آن دستگاه چیز دیگری نیست و بالاخره بعقیده این دسته ماشین حیات انسان یعنی جریان اعمال انعکاسی است و بدینگونه توضیح میدهند که حیات انسان از اینجا شروع میشود که فعالیت عوامل درونی بصورت عکس العمل محسوسی در می آید و انسان هر لحظه و هر آن طرحی از آرزو و امید بر اساس انفعالات نفسانی خودش روی صفحه فکر ترسیم میکند و میکوشد که آنرا عملی سازد بنابراین مقدمه می گویند اگر عنوان «مشی و سلوک» به تعبیر ساده اصل رفتار و روش معنای روان شناسی شناخته شود پس انسان یعنی

«ماشین پر پیچ و خم خودکار»

کسانی که باصالت این تعریف قائلند از وجود وجدان در دستگاه ضمیر بشر غفلت دارند و هرگاه بآن توجه نمایند تازه آنرا یکی از اسرار مکانیکی این دستگاه میدانند صرف نظر از این نقیصه ای که در مکتب روان شناسی مورد بحث وجود دارد طرفداران این مکتب عقیده دارند که برای همه فعالیت های ارگانیك (آلی) مسیر معین و مشخصی موجود است و برای هر يك از حرکات بدنی هدفی است مشخص و روشن .

از طرفداران همین عقیده و مکتب دسته ای هستند که عملیات عده ای را منشاء و مبدأ حرکات و سکانات میدانند و معتقدند که : ظهور و جلوه هر قصدی یا کوشش در رسیدن بهر هدفی از مشخصات و تمیيزات موجودات جاندار شناخته میشود :

اینجا بررسی پیش مآید و آن عبارت از اینست که : وجدان چیست و منشاء آن کجاست ؟

متأسفانه باین پرسش جوابی نمیدهند در صورتیکه محسوس است که وجدان بشری واحد مخصوصی است و عنصری است غیر مادی .

پاره ای از روان شناسان باین نکته توجه دارند و فعالیت دستگاه فکر و وجدان را مورد نظر قرار می دهند ولی وجود فکر و وجدان را بصورت مستقلی باور ندارند .

فروید روان شناس معروف اطریشی در این باره نظری مساعد تر ابراز میکند باین معنی که برای فکر موجودیتی قائل است ولی تصدیق فروید با اصطلاح در عمق معنی قرار دارد نه طول آن و از اینکه در دستگاه



فروغ علم بشر برای فکر مقامی عالی تر وجود دارد فروید بحثی نمیکنند بلکه منشاء و مبدا همه افکار را در شعور باطن میدانند .

شخصیت انسان بقیده فروید که اساس آن پسکو آنالیز یا روان شناسی تحقیقی است شبیه بیک قطعه یخی است که در ظرف آبی فرو رفته باشد باین معنی که آن قسمتی که در آب فرو رفته است آن را شعور خفی مینامد و قسمت دیگری را که در سطح آب جای گرفته آنرا شعور جلی مینامد .

فروید و طرفداران مکتب وی معتقدند که شعور خفی نه فقط بزرگترین قسمت از وجدان است بلکه آنرا مهمترین قسمت وجدان و اراده می نامند و شعور جلی را دنباله شعور خفی . ولی مخزن وجدان را همان شعور خفی یا باطنی میدانند و بعبارت دیگر شعور جلی را قوه مجریه شعور باطن می گویند .

این دسته از روان شناسان تجربیات و تحقیقات مربوط بروح و نفس بشری را که مکتب دین بر اساس آن قرار گرفته است در حکم خواب و خیال و یا رؤیا و احلام می شمارند .

بطوریکه قبلا اشاره شد تحقیقات و نظریات فروید باینجا منتهی می شود که همه فعالیت های بشری و حتی عالی ترین و کاملترین آثار فکری و روحی بشر از مبدأ و مخزن شعور خفی سرچشمه میگیرد .

بقیده فروید آنچه در مکتب دین راجع بروح و روحانیت بحث شده است جز رؤیا ها و احلام چیزی نیست .

طرفداران مکتب دین در این زمینه از هوا خواهان نظریه فروید می پرسند : که آیا بحقیقت میتوان بطور قطع و جزم چنین حکمی صادر نمود و همه تجربیاتی را که محققین و علمای مکتب دین تا این تاریخ در دسترس بشر گذاشته اند در حکم وهم و خیال و رؤیا و احلام دانست ؟

البته طرفداران نظریه فروید خواهند گفت بلی . ولی محققین و دانشمندان دستگاه دین و روحانیت بسه دلیل مدعای طرفداران مکتب فروید را نقض میکنند .

اولا - میگویند شعور خفی یا شعور باطنی که بگفته شما مخزن تجربیات و آزمایش های گذشته است صحیح نیست زیرا آنچه بزبان دین الهام و اشراق نام دارد و همه خاطرات و بادرات ذهنی نشانه آن است و از آینده خبر می دهد ، مدعای طرفداران و هوا خواهان مکتب فروید را نقض میکند

درسی از فروغ علم

باین بیان که: آنچه به گفته فروید از مخزن شعور خفی سرچشمه میگیرد و بعبارت دیگر معلوماتی که انسان در این مجری کسب میکند فقط میتواند مبین حال شخص در گذشته یا زمان حال باشد در صورتیکه موضوع الهام کم و بیش در نهاد هر فردی دیده می شود بانسان این معنی را القاء میکند که روش آینده او چه خواهد بود؛ و چه باید بکند؛ از این گذشته مخزن شعور باطنی بگفته خودشان محصول احساسات و تشخصیات و تجربیات قلبی است و بعبارتی دیگر مخزن شعور باطنی عبارت از مجموعه ایست که در گذشته طولانی از راه حس و شهود بدست آمده است و البته چنین اندوخته ای نمی تواند انسان را با عوالم لایتنهای مربوط سازد، در صورتیکه انسان از طریق الهام و اشراق این معنی را بخوبی درک میکند که حیات من جمیع الیجات یک واحد یش نیست و عنصر اصلی حیات نیز که تحت نیروی واحدی قرار گرفته است و حتی جهان با همه اختلاف در مظاهر آن بایک هم آهنگی تام و تمامی تحت تاثیر همان نیرو سیر میکند.

نایا - دکتر ارنست جونز که یکی از محققین مکتب روانشناسی فروید است در زمینه نظریه استادش میگوید: مطابق اصل پسکو آنالیز باروانشناسی تحلیلی شعور باطن جایگاه فکر و اراده است.

همه عوامل این دستگاه تحت تاثیر رابطه جنسی قرار گرفته است و باین قاعده آزمایشها و تجربیات مکتب دین که برای فکر و اراده و روح و نفس جایگاه مستقل و جدا گانه ای قائل است در دستگاه روانشناسی جدید عنوانی و معنی ندارد. و خلاصه اینکه در دستگاه فکر و اراده و احساس بشر عاملی جز رابطه جنسی و محرکی که جز آن وجود ندارد. باین قاعده ملاحظه میشود که مدعیات این مکتب با دستگاه تعلیمات دینی از لحاظ اخلاق، هدف و راه استنتاج از هر جهت مبین و مغایر است.

ثالثاً - بالعس و العیان مشاهده میشود که آزمایشهای عرفانی و روحانی که بطور وفور در دسترس ما است جنبه وهم و خیال ندارد بلکه یک سلسله معانی و مطالبی است مربوط و موزون و استدلالی و محسوس و کسانیکه عملاً در این باره مطالعه دارند میدانند که این رشته از معانی با نظم و ترتیب جنبه علمی دارد و مثل همه علوم تحقیقی مبتنی بر تحقیق و استدلال و استنتاج است و کسانیکه عملاً این درس را آموخته اند برای هر مرحله ای از این دانش در جانی قائلند و طریق تحصیل و تعلیم آنرا ارائه داده اند و شاگردان مختلف و متنوع از استادان خودشان در محیط های گوناگون این درس را



دَرسِی از _____ فرِوِغِ لَم

بامبداء توحید ارتباط حاصل کند، در هر صورت این ارتباط امری است روحانی .
این حقیقت را قرآن مجید ضمن آیات ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ از سوره
الشعراء خطاب بر رسول اکرم بدین صورت بیان می کند .
و انه لتنزیل رب العالمین . نزل به الروح الامین . علی قلبک لتکون

من المنذرين

یعنی : محققاً (قرآن) از طرف پروردگارتو برتو نازل میشود و حامل
این پیغام بر قلب تو روح الامین است برای اینکه (بس از پذیرش این پیام و ابلاغ)
در عداد انداز کنندگان باشی (و مردم را از خطر آتی که متوجه شان است احتراز دهی)
از این گذشته قرآن مجید برای بیدار کردن وجدان و الهاماتی که از
این طریق بر قلب نازل میشود سه درجه قائل است و این حقیقت را ضمن
آیه ۵ از سوره الشعراء بدین صورت بیان میکند که :

« و ما کان بشراً یکنه الله الا وحیاً او من وراء حجاب او رسل رسولا
فیوحی باذنه ما یشاء انه علیم حکیم »

یعنی برای هیچ بشری پیش نیامده است که خداوند با او تکلم کند مگر
بصورت وحی یا از پشت پرده یا بوسیله فرستادن پیغمبری که باذن خدا آنچه
لازم بداند بر او الهام کند الخ

بهر حال آیه سابق الذکر تصریح میکند که قلوب اشخاص چگونه
ممکن است با مبداء توحید مرتبط شود و از آن منبع عظیم (که مربوط
بدستگاه فکر و دماغ نیست) بچه کیفیت بهره مند گردد . برای توضیح بیشتری
خلاصه آنچه از تحقیق و تفسیر در این زمینه در دسترس نگارنده قرار گرفته
است بمنظور افاده مرام موارد سه گانه را مینگارند :

(۱) کلمه وحی که بطور کلی بمعنی الهام تعبیر شده است معنی اولی
آن بنا بر تحقیق راغب « الاشارة السریعة » است بنا بر این معنی وحی همان
تعریف اولی است که اشاره و القاء سریع و یسابقه است در این صورت کلمه ای
که بقلب پیغمبر یا معدودی از صلحاء القاء میشود نام آن وحی است .

زیرا نزول وحی عبارت از القاء معنی معینی بقلب شخص مورد وحی
است که باز راغب آنرا به تعبیر دیگری بیان میکند و آن عبارتست از:
« القاء فی الروع » (روع بمعنی قلب و عقل است)

و به همین صورت بقلب مادر موسی القاء شد که کودکش را در آب
اندازد و در مورد حواریون مسیح که رتبه پیغمبری نداشتند معانی معینی
به همین صورت در قلبشان خطور میگرد و دنبال آن را می گرفتند و امثال ذلك





فروع علم ————— درسی از

(۲) شکل دومی که خدا با بندگانش تکلم میکند مانند کسی است که از پشت پرده بدیگری خطاب می‌نماید و شخص مورد خطاب آنرا می‌شنود. باین بیان که شخص مورد الهام صدا را می‌شنود ولی صدا کننده‌رانی بیند.

(۳) شکل سوم الهام این است که خدا بوسیله فرشته‌ای معانی معینی را بشخصیکه مورد نظر او است ابلاغ میکند و این مطمئن‌ترین و قاطع‌ترین الهام است که بر پیغمبر بزرگوار اسلام بصورت وحی نازل گردیده است و فرشته حامل آن جبرئیل نامیده شده است.

این نمونه الهام را « وحی متلو » یعنی الهام قرائت شده مینامند و مخصوص پیغمبران است در صورتیکه از دو نوع اول افراد دیگری که واجد صلاحیتند و دارای رتبه پیغمبری نیستند ممکن است بهره‌مند گردند. توجه باین معنی ضرورت دارد که: دریافت کنندگان الهام دارای خصوصیات و مزایا و مشاعر دیگری هستند باین معنی که آنها چیزهایی را ملاحظه میکنند که دیگران نمیتوانند آنرا به بینند و کلماتی را می‌شنوند که دیگران نمی‌شنوند باید گفت:

ایندسته از افراد بشر دارای مشاعر خاصی هستند که چیزهایی را می‌شنوند و می‌بینند و احساس میکنند که سایرین نمی‌شنوند و نمی‌بینند و احساس نمی‌کنند و چون این مقاله گنجایش بحث مفصل ندارد بهمین قدر اکتفا میشود. (۱)

بالاخره آنچه در این باره میتوان گفت این است که:

بطور قطع و مسلم در شخصیت بشر زمینه‌ها و عواملی بالاتر و بالاتر وجود دارد که علم روانشناسی جدید بآن دسترسی پیدا نکرده است زیرا علم روانشناسی نسبت بعلوم تحقیقی مانند کودکی است که تازه می‌خواهد براه افتد و مکتب‌های مختلف این علم فقط توانسته‌اند نواحی جزئی از شخصیت انسان را مورد مطالعه قرار دهند و در هر صورت زمینه تحقیقات روانشناسان بسیار محدود است و این محدودیت از آنجا است که قرآن کریم اعلان کرده است که:

وما اوتیتم من العلم الا قليلا!

(یعنی جز بمقدار کمی از دانش شما داده نشده است)

(۱) برای استفاده کامل از این بحث و فروع آن بکتاب «راه‌طی شده» اثر مهم علمی دانشمند جلیل‌آقای مهندس بازرگان مراجعه نمایید